

مردان بزرگ

ولیم پیت انکلیسی

کارکنان مجلهٔ تقدم همانطور که میخواهند بوسیلهٔ نشر مقالات علمی و ادبی بروشن کردن افکار هموطنان خود کمک نمایند در نظر دارند که بواسطهٔ شرح حال اشخاصی که در راه خدمت بجامعه تمام اغراض خصوصی را زیر پا گذارده و حیات خود را وقف خدمت بمملکت نموده اند،

حس وطن پرستی و خدمت بجامعه که بدبختانه در میان ما بکلی از بین رفته بقدر قوه و پیشرفت زنده نمایند زیرا مطالعهٔ شرح حال اشخاص بیش از هر چیزی انسان را مستعد تاسی از آنها مینماید، مثلاً اگر کسی همیشه شرح حال پهلوانان و جنگ آوران مطالعه کند حس شجاعت و جنگجویی در او تولید میشود، چنان که فردوسی گوید.

۲۰۱ «هر آنکس که شهنامه خوانی کند. اگر زن بود پهلوانی کند» و اگر بمطالعهٔ سرگذشت قائدین اصلاح و زعماء نهضت‌های ملی مشغول گردد، طبعاً بکارهای آنها مایل میشود، همینطور اگر شرح حال متصوفین و درویشها بخواند روح درویشی بر او مستولی شده بکلی از مرحلهٔ کار و عمل دور خواهد افتاد. پس یکی از وسائل ایجاد حس وطن پرستی و خدمت بجامعه در ایران این است که سوانح عمری مردمان صادق خدمتگذار از هر قوم و ملت بزبان ملی خویش ترجمه کرده و در دسترس جوانان بگذاریم، چه اگر نسل آینده نیز مثل ما خود پرست و بی‌اعتنا بمصالح عمومی بار آید سرانجام این کشور خیلی خطرناک خواهد بود، زیرا در مملکتی که یک اقلیت صالح کوچکی هم نباشد که بدون هیچ غرضی فقط برای نجات مملکت و خیر و صلاح عموم کار کنند کار آن مملکت هیچوقت سرو سامانی نخواهد گرفت ولیم پیت دومین پسر لورد چتام معروف است

مشارالیه در ۲۸ می ۱۷۵۹ در شهر «های» از ناحیهٔ کنت متولد گردید، و از آغاز طفلی علائم نجابت و هوشیاری و استعداد خارق العاده در جبین او نمایان بود و با آنکه در مهد تنعم پرورش یافت، از کودکی مولع بزحمت و کار

کردن و تتبع بود، از جودت قریحه و ذكاء سرشار و سرعت خاطر نیز بهره وافى داشت. دروس ابتدائى را در سایهٔ رعایت و مواظبت پدر دانشمند خویش فرا گرفت و سپس وارد دارالفنون کامبريج گرديد و با آنکه ضعف بنیه و کسالت مزاج کرا را او را مجبور بر احوت و ترك تحصیل نمود گوی سبقت را از همقطاران خود ربود، و از همانوقت زیاد شیفته مطالعه و تعمق در علوم فلسفى بود و باین واسطه هیچ کتاب لاتینى و یونانى را نگذاشت که مطالعه نکرد، تمام خطابه‌هاى مشهور دیموستین را حفظ نمود و همیشه آنرا میخواند و تکرار میکرد، هر وقت کتابى را بزبان بیگانه مطالعه مینمود برای اینکه دقیق و اسرار آنرا درست بفهمد آنرا بزبان انگلیسى ترجمه مینمود، در مطالعه کتب و منشآت بلیغه بی اندازه دقیق میشد که اسلوب بیان و طرز تعبیر و جمله بندى را بیاموزد، و باینواسطه در حدائت سن داراى ملكهٔ بلاغت شده میتوانست مکتوبات خاطر خود را با بلیغ ترین عبارتى ادا نماید، هوش و نجابت و استعداد مفرط او توجه مخصوص پدرش را بخود جلب نمود و تمام آمال و آرزوهای پدرى را بدو اختصاص داد

۲۰۲

لیکن پدرش قبل از اینکه او را مستعد مناصب عالیه سازد زندگانی را بدرود نمود. و بر حسب قوانین مملکتى تمام ثروت و دارائى او بیسر بزرگس رسید، و بیچاره ولیم بیت جز سرمایه که در سال ۳۰۰ لیره عایدى داشت بهره از آن ثروت هنگفت نبرد، ولی این پیش آمد فتورى در عزم محکم و ارادهٔ آهنین او وارد نیامورد، و بلکه بیشتر او را بکار کردن و زحمت کشیدن وادار نمود تا آنکه در سال ۱۷۸۰ دینلم علم حقوق را گرفت و قبل از ماه جون همان سال بوکالت عدلیه پذیرفته شد (در سن ۲۰ سالگى) و از آن تاریخ مشغول مطالعه اوضاع پارلمان و نطق و کلاء گردیده آنها را با هم تطبیق و مقایسه مینمود و پیش خود منصفانه در آنها حکمیت میکرد اتفاقاً در آنسال انتخاب اعضاء دارالفنون کامبريج بعمل آمد و ولیم بیت خیلې جدیدت نمود که او را نیز انتخاب نمایند ولی منتخبین سن او را مقتضى اینمقام عالی ندانستند. لکن بعد از یکماه به آرزوى دیرینه خود نائل گردید، یعنی بواسطه شهرتیکه در قدرت نطق و فصاحت بیان و پاک -

دامنی و طرفداری از مظلومین در وکالت عدلیه حاصل کرده بود اهالی یکی از ولایات او را بنمایندگی پارلمان انتخاب نمودند ، بعد از ورود بیمارلمان بانتظار موقع مناسبیکه بتواند خود را درست معرفی نماید مدتی سکوت و خاموشی اختیار کرد ، همینکه آنموقع فرارسید بیمحبا به پشت تریبون رفته با شجاعت و قوت قلب شروع بصحبت کرد و در اصلاح اوضاع اقتصادی و جلوگیری از تبذیر دولت و دربار رأی «برک» را تایید نمود و بواسطه سحر بیان و بلاغت خارق العاده خود طوری توجه حاضرین را جلب نمود که مخالف و موافق همه سراپا گوش شده با کمال دقت و تعجب بیانات وکیل جوان را استماع مینمودند .

نطق ولیم پیت مانند بمبی در وسط پارلمان منفجر گردید و همه را مبهوت و متحیر ساخت و چون نطقش پایان رسید و کلاء با کف زندهای متوالی او را تبریک گفته صیت بلاغت و قدرت سخنوری او دسراسر مملکت به پیچید و موضوع صحبت عالی و دانی گشت ، همینقدر در اهمیت این نطق بس که لورد نورث رئیس مجلس در باره ناطق میگوید : این جوان مثل این است که خطیب متولد شده « لورد فوکس که قبل از پیت تنها پهلوان سخن در پارلمان بود چنین اظهار داشت : نطق پیت از بهترین نطق هائی است که تا امروز شنیده شده » دیگری از وکلاء به لورد فوکس رو نموده میگوید ولیم پیت در آتیه از وکلاء بزرگ و ناطقین زبردست پارلمان خواهد بود « فوکس در جواب او میگوید « اکنون همانطور است » . خلاصه پیت از همان لحظه از بلیغ ترین خطباء عصر خود محسوب شده ، همان خطابه اول مراتب لیاقت و علم و بزرگی او را ثابت نموده در کمتر از ۲۴ سالگی مشهور خاص و عام گردید . در سال ۱۷۸۲ که کابینه نورث سقوط نمود لورد کنگهام ، کابینه را تشکیل داد ، و قبول یک منصبی که یک درجه کمتر از وزارت بود به ولیم پیت تکلیف نمود ولی پیت در جوابش گفت من بانتظار وزارت خواهم نشست . بدیهی است که اگر دیگری در آن سن آنمقام را رد مینمود مردم آنرا دلیل خود پسندی می دانستند لیکن لیاقت و استعداد پیت طوری نبود که بتوان یک منصب را برای او زیاد

تصور کرد، چه همه می دانستند که در آتیه نزدیکی زمام مملکت را بدست خواهد گرفت، خلاصه، صحنه پارلمان را بر میز يك وزارتخانه ترجیح داده و در آنجا نیز بهیچ دسته نگریده و خود روش مخصوصی پیش گرفت که بی اندازه توجه ملت را جلب نمود. خیلی کم حرف میزد ولی هر وقت به پشت کرسی خطابه میرفت جز بر وفق مصالح ملت و خیر عموم سخن نمی راند، و با آنکه از سلسله اشرف و محافظه کاران بود بیش از لیدر های حزب احرار به آزادی خدمت مینمود، تا جائی که از آزادیخواهان افراطی و تندرو بشمار رفت.

بعد از مرگ لورد کنگهام که لورد شلبورن مأمور تشکیل کابینه شد، چون بواسطه کناره گیری لورد فوکس خیلی خود را بيك ناطق زبر دست محتاج دید که بتواند اعتراضات و کلاء را رد نماید، ولیم پیت را در کابینه خود شرکت داد، ولی بواسطه منازعات شخصی و عدم تجانس وزراء عمر این کابینه خیلی کوتاه بود، جورج چهارم همینکه تزلزل کابینه را حس نمود چون معتقد بود که ولیم پیت تنها شخص لایق و کار دانی است که میتواند بحران را خاتمه داده و مملکت را بطرف اصلاح سوق دهد مدت زیادی او را بحضور می طلبید که زمام داری را عهده بگیرد، لیکن پیت از یکطرف چون میدانست هنوز موقع آن نرسیده که بتواند نیات خیر خواهانه خود را مجری دارد و از جهتی هم قطع داشت که دیر یازود قرعه این فال بنامش زده خواهد شد تکلیف شاه را رد نمود شاه ناچار کابینه دیگری را بریاست پورتلند تشکیل داد. رئیس الوزرای جدید باز خیلی برای جلب پیت بکوشید ولی او وکالت را ترجیح داده و پیوسته لوايح اصلاحی که تمام بنفع ملت و طبقه زحمت کش بود تقدیم پارلمان مینمود و با قوه نطق و استدلال آنها را از تصویب پارلمان میگذرانید و هر کدام که رد میشد برای موقع مناسب تری ذخیره میگذازد. طرفداری از مصالح اکثریت روز بروز بروجاهت و محبوبیت او میافزود و بدرجه مقامش را بالا برد که مردم او را منادی اصلاح و فرشته آزادی میدانستند

بعد از آن مسافرتی بفرانسه نمود در آنجا زبان فرانسه را آموخته و در

آنقسمت از اوضاع آنمملکت که برای زمامدار آتیۀ انگلستان اهمیت داشت مطالعات عمیقی نمود و بواسطۀ شهرت و اهمیتی که در اروپا بهم رسانیده بود پیوسته بزرگان و دانشمندان فرانسه در منزلش ازدحام داشتند و در هریاب که با او سخن میراندند با يك بلاغتی جواب میداد که همگی را مبهوت کرده بود، یکی از همراهانش میگوید بدرجۀ در فرانسه شهرت و اهمیت بهم رسانید که مهر و یان طنز و عشوۀ گر پاریس برای جلب توجه او بفنون افسونگری و دلبری متوسل می شدند

ولی چون او جز عشق اصلاح و ترقی مملکت خویش سودائی در سر نداشت بقدر جوی افسون و کرشمه های عاشق کش آنها در او اثر نمی کرد .

بعد از مراجعت بانگلستان در سال ۱۷۸۳ که وکلاء میخواستند هندوستان را مستقیماً در زیر نظر پارلمان قرار دهند چون شاه و ملت مخالف این ترتیب بودند و خود او نیز آنرا صلاح نمیدانست روزی که لایحه را بمجلس آوردند با همان بلاغتی که مخصوص خود او بود با لایحه مخالفت نمود ، و با آنکه قبلاً اکثریت مجلس بر تصویب لایحه تصمیم گرفته بودند طوری بیانات پیت عقیده آنها را تغییر داد که با اکثریت تمام لایحه را رد نمودند

بعد از آن در ۱۸ دسامبر ۱۷۸۳ شاه رئیس الوزراء وقت را باستعفاء مجبور نموده و پیت را مأمور تشکیل کابینه نمود ، (در آنوقت ۲۴ ساله بود) جوانی که در سن ۲۴ سالگی زمامداری مملکتی مثل انگلستان را عهده بگیرد و در پارلمانی مانند پارلمان انگلیس که مملو از حکماء و فلاسفه و سیاسیین و ناطقین بزرگ است (۱) بتواند در معضلات سیاست مباحثه کرده و باقوۀ بلاغت و حسن استدلال نظریات خویش را پیش برد گمانم بزرگترین شاهد لیاقت و نبوغ اوست . میگویند روزی شش ساعت متوالی پشت تریبون راجع باستهلاك دیون عمومی طوری صحبت نمود که تمام حضار را بحیرت آورده و باقوۀ نطق شاه و اکثریت مجلس را با فکر خود همراه نمود

از مخالفین بزرگ او در پارلمان برك ناطق و فیلسوف شهیر و سیاسی بزرگ ایرلندی بود ولی از همه مهم تر شارل فوکس پسر لورد هولاند بود . اتفاقاً لورد چتام پدر بیت نیز همیشه با لورد هولاند پدر فوکس مبارزه و زد و خورد داشتند ، و گویا مقدر اینطور بود که این مبارزه و رقابت به طریق ارث باولاد آنها رسد و فقط تفاوتی که در این مدت حاصل شد این بود که لورد چتام پدر بیت ریاست محافظه کاران و اشراف را دارا بود و از حقوق و امتیازات آنها دفاع مینمود و لورد هولاند رئیس حزب آزادخواه بود و برای توسعه نطق آزادی مجاهدت میکرد ، ولی پسر ها کاملاً رویه مخالف پدر های خود اتخاذ کردند ، یعنی بیت طرف داری آزادخواهان را اختیار نمود و از مصالح اکثریت دفاع میکرد و فوکس سنک طبقه ممتاز را بسینه زده برای محدود کردن آزادی و بقاء آقائی و سیادت يك طبقه مخصوص میکوشید و مدت ۱۷ سال که عبارت از تمام مدت زمام داری بیت است این دو پهلوان سخن باهم مبارزه و زد و خورد کلامی داشتند و تمام صحبت های طرفین در ۴۰ جلد بزرگ جمع و تدوین شده و ملت انگلیس مانند يك کتاب مقدس با نظر تعظیم و احترام باین مجلدات مینگرد .

بیت همینکه زمام داری را قبول کرد با حکمت سالخورده کان و همت جوانان شروع بکار نموده تمام هم خود را مصروف ترقی مملکت و آسایش ملت نمود ، و مانند عاشق دلباخته که جز رضای معشوقه خود آرزویی ندارد در مدت ۱۷ سال زمام داری غیر از ترقی انگلستان و سعادت ملت انگلیس آرزویی نداشت و تمام عمر گرانمایه را مصروف ترقی و خوشبختی هموطنان خویش نمود ، متانت اخلاق و ثبات عقیده و ایمان سیاسی او بدرجه بود که ریاست وزرائی انگلستان نتوانست سر موئی غرور و خود پسندی در او ایجاد کند و یا مقدار ذره او را از مسلک و مرام خود منحرف سازد ، و قتیکه جورج چهارم دیوانه شد و بیت مستقلاً زمام امور را بدست گرفت ، چون معارضی برای یش بردن نقشه های اصلاحی خود نداشت موقع را مقتنم شمرده آنچه توانست در راه سعادت و ترقی مملکت کوشید تا جائیکه مردم میگفتند : ملت انگلیس جز در ایام دیوانگی پادشاه خود

سعادت و آزادی نایل نشده است « یکی از مؤرخین میگوید ملت انگلیس در آنوقت عبارت از افکار و خیالات و اعمال پیت بود که بشکل يك ملت جلوه میکرد و برای همین است که علماء میگویند عزت و شوکت و اقتدار يك ملت غیر از افکار و خیالات بلند طبقه را قیه آن نیست

خلاصه ولیم پیت جز فکر ترقی مملکت و آسایش مردم سودائی در سر نداشت. ولی چون هر اصلاحی متوقف بر اصلاح مالیه و اصلاح اوضاع اقتصادی است، قسمت عمده فکر خود را صرف این رشته نمود و در سایه حسن نیت و بی طمعى و مساعدت اشخاص مطلع و کمک پارلمان بخوبی اوضاع مالی و اقتصادی انگلستان را اصلاح نمود. پیت علاوه بر اصلاحاتی که بعمل آورد، همیشه حامی آزادی نطق و قلم و اجتماع بود و آنرا برای ترقی جامعه از هر چیز مفید تر میدانست، و بحکومت زور و فشار ابداً عقیده نداشت، و میگفت حکومت زور و لو اینکه موقتا مخالفین خود را مقهور کند برای خود اوعواقب و خیمه خواهد داشت، باز میگفت حرف یا حق است یا باطل، هر گاه حق است که يك حکومت صالح نباید از گفتن حقایق جلوگیری کند و اگر باطل است که باید با دلیل و برهان بطلان آنرا بعموم مدلل نماید، و بدیهی است که با بودن آزادی برای اظهار حرف حق، باطل تاب مقاومت نخواهد آورد دیگر از عقاید او راجع به آزادی نطق و قلم این است که میگفت هر گاه يك حکومتی سلب آزادی نطق و قلم بنماید و لو اینکه مصادر اولیه امور خیر خواه و صالح باشند، مامورین از این امر سوء استفاده نموده و از حدرد خود تجاوز مینمایند و تجاوز آنها باعث انزجار قلوب از حکومت خواهد شد و البته انزجار عمومی از حکومت خیلی برای مملکت زیان آور است (۱)

زمامداری پیت مقارن کروفرف و جاه و جلال ناپلئون بوناپارت بود، و وقتی که ناپلئون بخيال جهانگیری اروپا را بيك ميدان جنگ مبدل کرده بود، ولیم پیت پیوسته در پارلمان او را مورد حمله و اعتراض قرار میداد

۱ در يك كتابی که عبری ترجمه شده بود این عبارات راجع بازادی دیدم که از قول ویلسون رئیس جمهوری متوفای امریکا نقل کرده بود - علاوه بر این نوشته بود که هر حکومتی که مردم ناچار شدند آهسته باهم صحبت کنند ان حکومت هر قدر مقتدر باشد درامی نخواهد داشت

و اعمال او را توحش و بربریت مینامید . چنانکه میگفت : ناپلئون فقط جنگ و خونریزی را دوست میدارد و سیل خون در وسط اروپا او را بطرب می آورد ، و جز شهرت طلبی و حب استعمار و استعباد دیگران محرکی ندارد ، و بدین طریق افکار عمومی را برضد او برانگیخت تا کارش را بساخت

بزرگترین مزایای این شخص این است که با وجودی که در نتیجه حسن عمل او مالیه و اوضاع اقتصادی انگلستان اصلاح گردید هیچ توجهی باصلاح مالیه شخصی ننمود چنانکه در وقت مرگ چهار هزار لیره مدیون بود ولی دولت و پارلمان برای قدر دانی از خدماتش باطیب خاطر قروضش را پیرداختند و یکی از خانمهای دانشمند نوع خواه انگلیس که شیفته اعمال او بود مبلغ ده هزار لیره برایش وصیت نمود - سیرولیم بنسن نیز از همان لحاظ سرمایه و را که عایدی سالیانه اش سه هزار لیره بود برایش وصیت کرد

ولیم پیت بواسطه عشقی که بمملکت داشت از ترس اینکه تأهل او را از خدمت بمملکت باز دارد تا آخر عمر بتجرد باقی ماند . یکی از دوستانش باو اشاره کرد که مادام دی ستایل فرانسوی نویسنده و نابغه بزرگ آزادیخواه انهد را که در علم و ثروت و جمال سر آمد عصر خود بود و فکر آزادی را در فرانسه انتشار میداد و ناپلئون او را تبعید کرده بود برای همسری اختیار کند پیت مجال اینرا نداد که گوینده حرفش را تمام کند و در جوابش گفت : برای من همین یکهمسر که عبارت از انگلستان است و تا ابد از من جدا نخواهد شد کافی است «

بنادر جنوب

ما از بدو تأسیس مجله در نظر داشتیم که متدرجاً اوضاع آن قسمت هائی از جنوب را که ما اطلاع وافق داریم از روی دقت و تحقیق کامل بنکاریم ، زیرا اولاً وجداناً موظف هستیم که از حقوق هم ولایتی های خود دفاع کرده و اولیای امور را . باصلاحات آنحدود متوجه سازیم ثانیاً حسن